

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۱ می ۲۰۲۱

کارگران و اپیدمی کرونا

با اوج گیری شیوع اپیدمی کرونا در ایران که از آن تحت عنوان "موج چهارم" هم نام می برند براساس برخی گزارشات منتشر شده روزانه بیش از ۲۰ هزار نفر در کشور به این ویروس کشنده مبتلا شده و در این ایام به طور متوسط حدوداً روزی ۴۰۰ نفر نیز بر اثر این بیماری جان می بازند. البته با توجه به این که در جمهوری اسلامی هیچ آماری از گزند مصالح این رژیم در امان نیست، به این آمار هم باید به مثابه آماری که تنها گوشه ای از واقعیت را بیان می کند، نگاه کرد. چرا که آمار واقعی مبتلایان و جان باختگان بدون شک در عمل از این بیشتر می باشد. بی دلیل نیست که در رسانه های جمهوری اسلامی گاه گفته می شود که دیگر نه بیمارستان ها تخت خالی برای بستری کردن مبتلایان به کرونا دارند و نه گورستان ها قبری تازه برای کسانی که تازه بر اثر کرونا جان باخته اند.

بیماری کرونا یک همه گیری عمومی است که تا چند ماه پیش هیچ واکسینی هم برای مقابله با آن وجود نداشت و در نتیجه رهنمود نهادهای پزشکی در همه کشورها زدن ماسک، رعایت فاصله اجتماعی و قرنطینه کردن خود در خانه و خارج نشدن از منزل مگر برای کارهای ضروری بود. اما می دانیم که قرنطینه زمانی معنا دارد که دولت مسئولیت تأمین زندگی افراد قرنطینه شده که از کار و ممر درآمد خود محروم می شوند را بپذیرد. بنابراین در شرایطی که جمهوری اسلامی هیچ مسئولیتی جهت تأمین زندگی مردم تقبل نکرده و نمی کند و حتی حسن روحانی رئیس جمهور کشور با بیشرمی تمام گفت: "ما اصلاً چیزی به نام قرنطینه نداریم"، کارگران و زحمتکشان مجبورند برای تأمین معاش در شرایط اپیدمی کرونا از خانه خارج شده و به سرکار بروند.

از سوی دیگر روشن است که در ایران زیر سلطه جمهوری اسلامی در محیط کار هم امکان رعایت فاصله اجتماعی که یکی از راه های جلوگیری از کرونا می باشد، عملاً وجود ندارد. به همین دلیل هم به طور طبیعی کارگران و بی چیزان بخش بزرگی از مبتلایان و قربانیان این بیماری را تشکیل می دهند.

در اینجا با ذکر چند نمونه، این واقعیت را بیشتر روشن می کنیم. در ۱۷ فروردین ماه [حمل] امسال (۱۴۰۰) رئیس دانشکده علوم پزشکی نیشابور گزارش داد که ۶۷ کارگر یکی از واحدهای صنعتی این شهر به کرونا مبتلا شده اند. کارخانه ای که ۵۰۰ کارگر در آن کار می کنند و با این که دانشکده علوم پزشکی درخواست تعطیلی کارخانه را داده است تا وضعیت بقیه کارگران روشن شود اما هنوز با این درخواست موافقت نشده است. از سوی دیگر مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، اعلام کرده است که ۱۲۰۰ نفر از رانندگان و پرسنل شرکت اتوبوسرانی تهران مبتلا

به کرونا شده‌اند و از این تعداد تاکنون ۱۳ نفر جان خود را از دست داده‌اند. این همه در شرایطی است که در ۶ مهر ماه [میزان] (۱۳۹۹) مدیرعامل بهداشت و درمان شرکت نفت اعلام کرد که میزان موارد ابتلا و بستری صنعت نفت رقمی بالغ بر ۴ هزار و ۱۰۰ نفر را نشان می‌دهد که تعداد جانباخته‌های ناشی از ابتلا به کووید ۱۹ در صنعت نفت نیز ۴۰۰ نفر تاکنون (مهر ۱۳۹۹) بوده است.

خود این موارد بیانگر آن است که کارگران چه نسبت بالایی در میان قربانیان اپیدمی کرونا را تشکیل می‌دهند. امری که نشان می‌دهد بورژوازی زالو صفت کشور و سگ‌نگهبانش جمهوری اسلامی چه نقش بزرگی در گسترش این بیماری مرگبار در میان کارگران داشته‌اند. سردمداران جمهوری اسلامی در آغاز شیوع کرونا با آگاهی از عواقب مرگبار این ویروس که در چین خود را نشان داده بود به خاطر کشاندن مردم به نمایش انتخاباتی مجلس یازدهم و راه پیمایی ۲۲ بهمن (۱۳۹۸)، درست زمانی که لازم بود برای جلوگیری از شیوع کرونا محدودیت‌های اعمال شود، از بیان واقعیت به مردم خودداری کرده و واقعیت‌های خطرات ابتلا به کرونا را از آنان پنهان نمودند. سردمداران جمهوری اسلامی حتی جلو پروازهای شرکت هواپیمایی ماهان به کشور چین را هم نگرفتند و به این وسیله باعث شیوع وسیع‌تر این بیماری شدند. به رغم تمامی این کم‌کاری‌ها که به فجایعی بزرگ در زندگی مردم ما منجر گشته، امروز هم که واکسین این بیماری کشف شده در رابطه با ورود آن به کشور سیاست ارتجاعی در پیش گرفته و از ورود واکسین‌های ساخت برخی کشورها جلوگیری می‌کنند.

خود این سیاست‌ها موجب تشدید روند مرگ و نابودی زندگی کارگران و توده‌های محروم ما و عامل اوضاع فاجعه‌بار کنونی است.

اپیدمی کرونا از یک سو با تأثیراتی که بر اقتصاد گذاشته و باعث تعطیلی برخی از رشته‌های اقتصادی مثل هتل‌داری، رستوران‌ها، مراکز ورزشی، شرکت‌های هواپیمایی و ... شده به طور طبیعی میلیون‌ها کارگر را از کار بیکار کرده و این کارگران به دلیل فقدان بیمه واقعی در فقر و فلاکت رها شده‌اند. از سوی دیگر با ابتلای کارگران به این بیماری تاکنون چند هزار کارگر جان خود را از دست داده و به این ترتیب این بیماری تأثیرات مرگبار و مخرب بزرگی در زندگی کارگران و خانواده‌های کارگری بر جای گذاشته است.

تا وقتی که واکسینی برای پیشگیری از تأثیرات مرگبار ویروس کرونا پیدا نشده بود، جمهوری اسلامی با جلوگیری از قرنطینه و عدم اطلاع‌رسانی شفاف به جامعه با جان کارگران بازی کرد؛ اما از وقتی که واکسین کرونا کشف و در سطح جهانی توزیع و مورد استفاده قرار گرفته است دور دیگری از بازی سردمداران جمهوری اسلامی با جان مردم و کارگران نیز شروع شده است. اگر قبلاً روحانی می‌گفت قرنطینه نداریم امروز هم خامنه‌ای می‌گوید که واکسین از کشورهای آمریکا و انگلیس وارد نکنید. از طرف دیگر فساد در دستگاه حکومتی تا بدانجاست که خودشان اعلام کرده‌اند که میلیون‌ها دالر ارز برای واردات واکسین اختصاص داده‌اند اما واکسینی هم وارد نشده است. با توجه به چنین واقعیت‌هایی است که امروز در ایران خلاف بسیاری از کشورهای جهان از واکسیناسیون خبر جدی در میان نیست و ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نسبت به همه همسایگان و کشورهای منطقه از جمله امارات متحده عربی و ترکیه به لحاظ روند پیشگیری و سرعت واکسیناسیون بسیار عقب‌تر است. علاوه بر این، رژیم دزد و غارتگر جمهوری اسلامی در تلاش است که هزینه واکسیناسیون را نیز بر دوش مردم بیندازد. در حالی که هزینه واکسیناسیون کرونا باید از سوی دولت تأمین و این امر برای مردم و از جمله کارگران کاملاً رایگان باشد. به واقع این حکومت سعی دارد بار این بیماری را با وقاحت و قساوت هر چه بیشتر بر دوش کارگران سر شکن نماید.

تجربهٔ اپیدمی کرونا بار دیگر به همهٔ طبقات و اقشار جامعه از جمله کارگران بروشنی نشان داد که جمهوری اسلامی رژیم سرتا پا فاسدی است که به تنها چیزی که نمی اندیشد زندگی و جان مردم می باشد. آنچه برای این رژیم و سردمداران دزد و فاسدش همواره در ارجحیت می باشد، منافع شخصی خودشان می باشد. آنها از هر موقعیتی حتی از شرایط بحران فاجعه بار یک بیماری همه گیر، تنها برای پر کردن جیب خود استفاده می کنند.

شیوع ویروس هلاکت بار کرونا و قربانی شدن ده ها هزار تن از توده های تحت ستم ما به ویژه کارگران و اقشار محروم جامعه آئینهٔ تمام نمائی ست که می توان چهرهٔ ضد خلقی و فاسد رژیم پوسیدهٔ جمهوری اسلامی را در آن مشاهده کرد. شیوع کرونا این واقعیت را با برجستگی بیشتری در مقابل توده های رنجدیده قرار داده است که غلبه بر همهٔ رنج ها و درد های بی درمان کنونی موجود در زندگی آنان کاملاً وابسته است به نابودی کرونای جمهوری اسلامی. امری که تنها در بستر انقلابی قهر آمیز به رهبری طبقهٔ کارگر امکان پذیر می باشد.

به نقل از: ماهنامهٔ کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۸۸، پانزدهم اردیبهشت ماه [ثور] ۱۴۰۰